

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۱۲ دسمبر ۲۰۲۰

پوزه کوتوال کابل به سنگ خورد!



جمعه خان همدرد میگوید :
زور هیچ قدرتی به من نمیرسد
که خود سازی من را تخریب نماید
این من بودم که از اشرف غنی
حمایت کردم و به قدرت رساندم

جمعه- ۲۱ قوس ۱۳۹۹- کابل: از همان نخستین روزی که "امر الله صالح" از جانب "غنی احمدزی" شاید هم به منظور تأدیب و آشنا ساختنش به محدودیت ها، به حیث "کوتوال کابل" مقرر گردید، می شد حدس زد که امروز و یا فردا، کسی پیدا خواهد شد تا پوزه اش را به خاک مالیده با زور به وی تفهیم نماید که صاحب و مالک الرقاب افغانستان اشغالی و مستعمره، نه مردم افغانستان است و نه هم در چنین وضعیتی می تواند قانونی وجود داشته باشد که تطبیق آن بر همه لازم الاجراء دانسته شود.

نکته ای که کوتوال کابل، با همان شم استخباراتی خود می بایست زود تر از دیگران می فهمید مگر نفهمیدنش حکایت از آن دارد که در همان درسهای استخباراتی هم ناکام مطلق می باشد.

این جاسوس و وطنفروش بی آرم، از روزی که به حیث کوتوال کابل مقرر گردید، زیر نام تطبیق "میثاق امنیتی" در حالی که سارقان بزرگ کود ۹۱ و کود های دیگر در روز روشن و با پشتاره عواید ملی را به یغما برده و می برند و

هیچ نوع قانونی وجود ندارد تا جلو این یغماگری های آنها را بگیرد، با چند پولیس لندغر و وطنفروش و دزد، به جان پانین ترین افشار و طبقات اجتماعی، یعنی دستفروشان شهر کابل، یعنی تعدادی تبنگ فروش که در ازای ۱۲ الی ساعت تنفس دود و تحمل آب و هوای ویرانگر، اگر خوش شانس باشند، مایحتاج همان روز زن و فرزندان شان را پیدا می نمایند؛ افتاده با برداشتن کسب و کاسبی آنها شهر کابل را پاکسازی!! می نمود.

این جنایتکار و وطنفروش نمی خواهد بداند که زیبایی یک شهر در خلوت بودن سرکها و خیابانها نیست، بلکه شهر زمانی زیبا و خوش منظر است که در آن فقر و گرسنگی بیداد نکند و باشندگان بدان نیاز نداشته باشند که به قیمت به خطر انداختن صحت و سلامتی خودش و فامیلش یک لقمه نان پیدا نماید.

هموطنان گرامی!

من و تو در همین شهر بزرگ شده ایم و هریک از ما به تناسب درک اجتماعی از مردم و فرهنگ ما شناخت داریم، بر همین مبنا می دانیم که از دید دکانداران، تبنگ فروش دشمن خونی اش است، زیرا او با کراچی و تبنگ سیارش و با نپرداختن کرایه بلند برای یک دکان می تواند امتعه خویش را ارزانتر از دکانها به فروش برساند، از همین رو برای هر دکاندار، یک تبنگ فروش، یک رقیب بالقوه و بالفعل و یک دشمن شغلی به شمار می رود.

هموطنان گرامی!

این که انسان بی شخصیتی مانند "صالح" به بازار می آید و زیر نام تأمین امنیت به جان "کراچی وان" و "تبنگ فروش" می افتد، مسلم است که در عقب آن میلیونها افغانی پولیس که دکانداران برای "معاون صاحب" جیب خرجی داده اند.

از آن گذشته، این روند در کل مطابق ماهیت خود، سخت طبقاتی عمل نموده، فقط به جان مردم بی پناه و فقیر جامعه کارگر می افتد و طبقات بالائی جامعه که خود با اشغالگران سر جوال را گرفته اند، کمترین وقعی بدان قایل نیستند. چنانچه این واقعیت را عملکرد امروز جنگ سالار معروف "جمعه خان همدرد" از قومندانهای "گلبدین" که اینک با "غنی احمدزی" عقد اخوت بسته، به نام مشاور رئیس جمهور معاش می گیرد، بوضاحت نشان داد. آنهم زمانی که افراد "صالح" زیر نام باز ساختن جاده و پیاده رو، خواستند دیوار های سمنتی جلو خانه "همدرد" را بردارند، افراد جمع شده به دور "همدرد" با تفنگ از آنها استقبال نموده، "معاون صاحب" را نزد "رئیس صاحبش" فراری دادند، تا دیگر از این "گوه" ها نخورده و درب منزل زورمندان را نکوبد.

هموطنان گرامی!

افتضاح دواندن کارمندان "صالح" به وسیله اوباش جمع شده به دور "همدرد"، یک بار دیگر نشان داد که در جامعه طبقاتی، همه چیز مهر طبقاتی خورده، تیغ طبقات حاکم می تواند فقط گردن طبقات محکوم جامعه را ببرد و برای بریدن گردن طبقات حاکم بران نیست.

هموطنان گرامی!

اگر نمی خواهید گردن تان را تیغ طبقات حاکم ببرد، می باید به طرف تشکل حرکت نموده، از آن طریق خود را به نیرو مبدل نمایند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ می باشد!

سرکها ما را می طلبند!